تحقیقات اقتصادی / دوره ۵۴، شمارهٔ ۲، تابستان ۹۸/ ص ۴۸۵-۴۶۵

بررسی عقد "قرض" به‌عنوان یک قرارداد سودآور در بانک‌داری اسلامی

مهدی ناجی[1]*

استادیار، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ایران، mehdinaji@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۰

چکیده

از آن جایی که اصلی‌ترین انگیزه بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی کسب سود است، حرمت مطالبه سود در قرارداد قرض عملا این قرارداد را در بانک‌داری اسلامی به حاشیه رانده و موجب شده در این نوع بانک‌داری، برخلاف بانک‌داری متعارف، سایر عقود جایگزین عقد قرض شوند. هرچند به‌کارگیری قرارداد قرض در معاملات اسلامی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است، این قرارداد، خصوصاً در زمینه بانک‌داری، دارای مزایای حقوقی و اقتصادی چشم‌گیری نسبت به سایر عقود است که نمی‌توان نقش آن‌ها را در بهبود سیستم بانک‌داری بدون ربا نادیده گرفت.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا در یک نظام بانک‌داری بدون ربا، استفاده از عقد قرض در معاملات سودآور بانکی امکان‌پذیر است؟ این مقاله به روش توصیفی و تحلیل محتوا در پی اثبات این فرضیه است که عقد قرض این قابلیت را دارد که مانند سایر عقود اسلامی در یک نظام بانکی بدون ربا، و در یک چارچوب سودآور برای بانک به‌کار گرفته شود. این پژوهش با بررسی ویژگی‌های عقد قرض و ضرورت تفکیک مفهوم عام "قرض" در شریعت اسلامی از مفهوم خاص "قرض‌الحسنه"؛ با برشمردن مزایای این عقد، مکانیزمی پیشنهاد می‌کند که براساس آن قرارداد قرض در بستری سودآور و غیرربوی در یک نظام بانکی قابل استفاده است.

طبقه‌بندی JEL: E00, E02, E4, E5

واژهای کلیدی: بانکداری بدون ربا، قرارداد قرض، نرخ بهره

---

*. شماره تماس: ۶۱۱۱۸۰۸۰

۱- مقدمه

حرمت اشتراط سود (یا هر زیاده‌ی دیگر) در قرارداد قرض، باعث شده بانک‌داری اسلامی[۱] برای کسب سود به عقود دیگری از جمله مشارکت، مضاربه، جعاله و فروش اقساطی روی آورد و عملا از به‌کارگیری قرارداد قرض در معاملات اصلی و سودآور خود صرف‌نظر کند. هرچند این مسیر با توفیقات قابل توجهی همراه بوده، هم‌چنان خلاءها و نارسایی‌هایی جدی در این نوع بانک‌داری وجود دارد که بدون رفع آن‌ها نمی‌توان شاهد یک سیستم بانکی بهره‌ور و کارا، حتی در مقایسه با بانک‌داری متعارف، بود. این مقاله با بررسی مزایای به‌کارگیری قرارداد قرض در مقایسه با سایر عقود در نظام بانکی بدون ربا، مکانیزمی پیش‌نهاد می‌کند که بر طبق آن امکان به‌کارگیری قرارداد قرض در یک فرایند سودده‌ی غیرربوی برای بانک وجود دارد. به‌کارگیری چنین مکانیزمی در سیستم بانکی بدون ربا، نه تنها می‌تواند بخش قابل توجهی از خلاءهای موجود در این نوع بانک‌داری را مرتفع کرده و به بهره‌وری نظام بانک‌داری بدون ربا کمک کند، بلکه از انگیزه‌های انحراف و افساد در سایر عقود جاری در این سیستم بانکی نیز خواهد کاست.

در ادبیات بانک‌داری بدون ربا، حرمت ربای قرضی تسامحا معادل حرمت قرض سوددآور (با بهره) تلقی شده است[۲]. لذا از آنجا که حذف سود از یک ابزار مالی به منزله حذف اصلی‌ترین انگیزه بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی برای استفاده از آن ابزار است، در نظام بانک‌داری بدون ربای فعلی هیچ قرارداد قرضی برای تخصیص منابع بانک وجود ندارد که از نظر اقتصادی برای بانک جذاب (سودآور) باشد. در بانک‌داری فعلی، تنها موردی که در آن برای تخصیص منابع از قرارداد قرض استفاده می‌شود، وام‌های قرض‌الحسنه است، که منابع لازم برای آن نیز از طریق سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز تأمین می‌شود. اما به‌دلیل غیرجذاب[۳] بودن ابزار قرض‌الحسنه برای بانک، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی فعلی علی‌الدوام رو به کاهش بوده است و این عقد جای خود را به انواع دیگر عقود به خصوص عقود مشارکتی داده است. شکل (۱)

---

۱. در این مقاله، بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا به طور معادل به کار رفته اند. به دلیل این که این دو مفهوم هم‌پوشانی فراوانی باهم دارند و موضوع این مقاله، در حیطه مشترک بین این دو حوزه جای می‌گیرد.

۲. تا جایی که بانکداری بدون ربا، برابر با بانکداری بدون بهره تلقی می‌شود و در قانون عملیات بانکداری بدون ربا، کلمه "بهره" به عنوان تعریف سریع و صریح ربا به کار می‌رود: "قانون عملیات بانکداری بدون ربا (بهره)"

۳. مقصود جذابیت مادی است.

روند کاهشی سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از کل سپرده‌های نظام بانکی را در مقایسه با سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد. طبق این شکل، این سهم‌ها به طور مداوم از هم فاصله گرفته و از قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری انتقال یافته است. بنابراین ارائه ابزار قرض‌الحسنه، که عقدی غیرانتفاعی و منحصرا مبتنی بر خیرخواهی و طلب رضایت الهی است نه منفعت مالی، به بانک‌هایی که اساسا نهادهایی اقتصادی هستند نه خیریه‌ای، سیاست نادرستی در نظام فعلی بانکداری بدون ربا بوده است (حشمتی مولایی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱؛ عزتی، ۱۳۸۶، ص۳۹). هرچند قانون بانکداری بدون ربا، مصوب ۱۳۶۲، بانک‌ها را ملزم کرده بود تا از محل وجوه سپرده‌های قرض‌الحسنه نزد خود به متقاضیان تسهیلات قرض‌الحسنه اعطا کنند، اما در عمل بانک‌ها از این قانون عدول کردند (موسویان و راه‌نشین، ۱۳۹۳، ص۱۴۵). این عدول، هرچند جذب منابع از طریق سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز را از نظر اقتصادی تا حدی موجه می‌کرد، اما سرمایه‌گذاری این سپرده‌ها در فرایندهای سودده با عنوان قرض‌الحسنه هم‌خوان نبود. چه، سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه علی‌القاعده برای اجر اخروی پس‌انداز خود را تحت عنوان قرض‌الحسنه در اختیار بانک قرار می‌دهند و انتظار ندارند بانک این منابع را در فرایندهای سودده به‌کار گیرد، خصوصا که خود سپرده‌گذاران در آن سود شریک نباشند. بنابراین در سال‌های اخیر بانک‌ها موظف شدند کل منابع حاصل از سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص دهند (موسویان و میسمی، ۱۳۹۴)، و به این ترتیب حتی تنها انگیزه بانک‌ها برای جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه از بانک‌ها گرفته شد. مقالات متعددی به بررسی دلایل عدم موفقیت ابزار قرض‌الحسنه در نظام بانکداری بدون ربا پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال عرب‌مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) سه عامل اساسی را مسوول این عدم موفقیت می‌دانند: انگیزه قرعه‌کشی در سپرده‌گذاران، نگاه به بانک‌ها به‌عنوان نهادهای خیریه، و کاهش ارزش دارایی سپرده‌گذاران. همچنین، محقق‌نیا (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد که نظام بانکی در بازه سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷ در بعد قرض‌الحسنه ناموفق بوده است و نه تنها سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه نسبت به کل سپرده‌های بانکی رو به کاهش بوده است، بلکه در این دوره تنها اندکی بیش از نیمی از این سپرده‌ها به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص یافته است و مابقی در سایر امور درآمدزا به‌کار رفته است. کمیجانی و هادوی‌نیا (۱۳۷۷) ایراد اصلی نظام قرض‌الحسنه را در فقدان یک نظام هماهنگ کننده فعالیت‌ها در نظام قرض‌الحسنه عنوان کرده و پیشنهاد

می‌کنند فعالیت‌های جاری در سه نهاد کمیته امداد، صندوق‌های قرض‌الحسنه و نظام بانکداری بدون ربا در قالب یک نظام یکپارچه به ماهیت قرض‌الحسنه نزدیک‌تر شوند. حبیبیان نقیبی (۱۳۸۲) و رفیعی (۱۳۸۵) به ناسازگاری قرض‌الحسنه با ماهیت بانک (از هر نوعی چه متعارف و چه اسلامی) اشاره می‌کند و اعطای قرض‌الحسنه را بدون الزام ممکن نمی‌داند. همچنین، مقدم و دیگران (۱۳۹۵) انگیزه معنوی و اخروی وام‌دهنده را یکی از ارکان اساسی قرض‌الحسنه معرفی می‌کنند که در تبیین و پیش‌بینی اثرات اقتصادی و اجتماعی آن نقش مهمی دارد.



شکل ۱. سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری نزد نظام بانکی کشور

با توجه به این که بانک‌ها برای ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه مجاز به دریافت سود[۱] نیستند، با وجود تقاضای بالا، انگیزه‌ای نیز برای ارائه‌ی چنین تسهیلاتی ندارند، لذا این تسهیلات سهم ناچیزی در میان سایر تسهیلات بانکی دارند. در حالی که واکاوی دقیق‌تر شرایط احراز ربای قرضی و نگاهی به روایات رسیده از ائمه هدی(ع) نشان می‌دهد که امکان وجود قرارداد قرض سودآور غیرربوی منتفی نیست. بخش ۰۲ با تفصیل بیشتری به این نکته می‌پردازد و نشان می‌دهد که امکان وجود قرارداد قرض سودآور غیرربوی برخی از یافته‌های بنیادی در ادبیات بانک‌داری اسلامی را با چالش روبرو می‌کند.

۱. بانک‌ها مجازند بابت اعطای وام قرض الحسنه بین ۲,۵ تا ۴ درصد کارمزد دریافت کنند، مشروط به این که از هزینه‌های تجهیز منابع قرض‌الحسنه و نیز هزینه‌های اعطای آن تجاوز نکند (السان ۱۳۸۹)، بنابراین حتی اخذ کارمزد نیز نمی‌تواند از نظر اقتصادی بانک را برای اعطای چنین تسهیلاتی برانگیزد.

با وجود آن که به‌کارگیری قرارداد قرض در یک نظام بانکی بدون‌ربا با محدودیت‌های جدی روبروست، ویژگی‌های منحصربه‌فرد قرارداد قرض، هم‌چنان نقش آن را در بین سایر عقود موجود برجسته می‌کند. بخش ۳ به برخی از این ویژگی‌ها می‌پردازد.

برای طراحی قرارداد قرض سودآوری که متضمن ربا نباشد، لغو تنها یکی از شروط لازم برای تحقق ربا (قرض، زیاده، اشتراط زیاده) کافی است. به‌عنوان مثال هر شرط غیر زیاده‌ای (مثل شرط زمان، شرط مکان، و شرط ضمان) مجاز است. همچنین قرارداد قرضی که متضمن زیاده باشد اما بر آن زیاده شرط نشده باشد نیز ربوی نخواهد بود. به عبارت دیگر، اگر قرض کننده در هنگام استرداد قرض به اختیار خود زیاده‌ای به آن بیفزاید، آن زیاده مصداق ربا نخواهد بود بلکه این کار ممدوح و مستحب است و به "حسن القضاء" شهرت دارد. حال چالش پیش رو این است که چگونه می‌توان قرض کننده را، به‌عنوان یک نهاد اقتصادی که به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت یا سود خود است، به پرداخت اختیاری زیاده بر قرض ترغیب کرد؟ به این منظور، این مقاله یک مدل مفهومی پیشنهاد می‌کند که در آن بر طبق یک نظام انگیزشی، قرض‌گیرنده ترجیح می‌دهد به منظور افزایش امکان اخذ تسهیلات در آینده، با اختیار کامل، زیاده‌ای افزون بر قرض خود بپردازد. بخش ۴ به تشریح طرح پیشنهادی برای قرض سودآور می‌پردازد.

پس از ارائه مدل پیشنهادی، بخش ۵ به کاهش معنادار احتمال نکول در مدل پیشنهادی در مقایسه با سایر عقود جاری در نظام فعلی بانکداری اسلامی می‌پردازد. بخش ۶ تلاش می‌کند به دو سوال یا نقد عمده و بالقوه که ممکن است در برابر این پیشنهاد مطرح شود پاسخ دهد. اول این که انگیزه پرداخت سود غیرمشروط در قرارداد قرض چیست؟ دوم این که قرارداد قرض سودده غیرمشروط چه تفاوت بنیادی با ربای قرضی دارد؟ و بالاخره بخش۷ به نتیجه‌گیری مقاله می‌پردازد.

۲- حرمت ربا یا حرمت قرض سودده؟

بنابه تعریف، ربا[1] عبارت است از "اشتراط هر نوع زیاده در عقد قرض"(موسوی خمینی، بی‌تا، ۱۴۲۱ق). بر طبق این تعریف که فقها اختلافی بر سر آن ندارند (حلی،

۱. در سراسر این مقاله، مقصود از ربا همان ربای قرضی است.

۱۴۲۱ق)، وجود هم‌زمان سه شرط برای تحقق ربای قرضی ضروری است: ۱) قرض بودن معامله، ۲) وجود زیاده، و ۳) شرط بودن پرداخت زیاده. اگر در معامله‌ای هر یک از این شروط وجود نداشته باشد، ربای قرضی اتفاق نخواهد افتاد(رفیعی، ۱۳۸۵، ص ۷۱). این درحالی است که در ادبیات بانک‌داری اسلامی، چه در پژوهش‌های نظری و چه در تجارب عملی، قرارداد قرض سودآور(یعنی تجمیع دو شرط اولیه) تسامحا معادل ربای قرضی دانسته شده و امکان وجود قرارداد قرض سودآور غیرربوی اساسا منتفی فرض شده است. به عبارت دیگر، باوجود این که روایات رسیده از ائمه هدی(ع) مسلمانان را به پرداخت زیاده (غیر مشروط) بر قرض تشویق و ترغیب می‌کنند، در سیستم بانکداری بدون ربای فعلی عملا پرداخت هرگونه زیاده‌ای بر قرارداد قرض‌الحسنه امکان‌پذیر نیست و منع قانونی دارد.

این تسامح، یعنی معادل دانستن ربای قرضی با هرگونه قرض سودآور، سبب شده بهترین راه تجهیز و تخصیص منابع در بانک‌داری اسلامی استفاده از عقود مبادله‌ای و مشارکتی دانسته شده و قرارداد قرض، چه در عمل و چه در نظر، تا حد زیادی از این حوزه کنار گذاشته شود[1]. این رویکرد در ادبیات بانک‌داری اسلامی، گاه بسیار از ادبیات بانک‌داری متعارف فاصله گرفته است، تا جایی که به‌عنوان مثال توتونچیان (۱۳۷۹) ستون فقرات بانک‌داری اسلامی را عقد مشارکت می‌داند و سایر عقود اسلامی را به نحوی مکمل عقد مشارکت تلقی می‌کند. هم‌چنین وی معتقد است، تحقق صحیح اقتصاد اسلامی نه تنها به حذف بهره که به حذف بازار پول نیز منجر خواهد شد. همچنین، خان و میراخور (۱۹۸۹) قلمرو بانکداری اسلامی را به سود اقتصادی[2] و اشتراک‌گذاری ریسک[3] منحصر می‌دانند و اساسا وجود هر نوع بهره را در نظام بانکداری اسلامی منتفی قلمداد می‌کنند.

از طرف دیگر، موسویان و میسمی (۱۳۹۴) بازده پولی که در ارتباط مستقیمی با بخش حقیقی نیست را ناصحیح می‌دانند و معتقدند بازار پولی مستقل از بخش حقیقی نباید وجود داشته باشد و نرخ تعیین شده در این بازار رباست. آن‌ها هم‌چنین بین بازار پول اسلامی و بازار پول متعارف تفاوت قائلند و معتقدند در بازار متعارف غربی رابطه

---

۱. هرچند قرارداد قرض‌الحسنه به طور بسیار محدود در بانکداری بدون ربا مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما چون این قرارداد در حال حاضر برای بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی (و نه یک مؤسسه خیریه) جذاب نیست، عملاً سهم قابل ذکری در نظام بانکداری بدون ربا ایفا نمی‌کند.

2. Profit
3. Risk sharing

"پول- پول" وجود دارد، اما در بازار اسلامی رابطه "پول- کالا - پول" شکل می‌گیرد. به این معنی که تمام عقود و روابط موجود در بازار پولی اسلامی حتما به تولید یا مبادله کالا یا خدمات منتهی می‌شود در حالی که چنین الزامی در بازار پول متعارف وجود ندارد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۴). این در حالی است که در صورت امکان طراحی یک سیستم بانک‌داری بدون ربا بر اساس قرارداد قرض سودآور غیرربوی، می‌توانیم شاهد بازار پولی‌ای باشیم که در آن رابطه پول-پول وجود دارد و روابط موجود در آن لزوماً به تولید یا مبادله کالا یا خدمات منتهی نمی‌شود.

از امام صادق(ع) روایتی بدین مضمون نقل شده است:

> ربا دو گونه است: حلال و حرام. ربای حلال، آن است که شخصی مالی به دیگری قرض دهد به طمع اینکه قرض گیرنده بیشتر از مقدار قرض به او برگرداند، بدون آنکه هنگام قرض چنین شرطی کرده باشد. دراین صورت، اگر قرض گیرنده، بیشتر از مقدار دریافتی به قرض دهنده برگرداند، مقدار زیادی بر او حلال است؛ هرچند از پاداش قرض الحسنه محروم خواهد شد. مقابل آن، ربای حرام قرار دارد که عبارت است از قرض دادن به شرط زیادی.[۱]

بنابراین، آیا نمی‌توان یک نظام اقتصادی مبتنی بر قرض سوددهی حلال (غیرمشروط[۲]) را غیرربوی و مجاز دانست؟ آیا تعریف و طراحی یک نظام پولی مستقل در چنین نظامی ممکن نیست؟ طبیعی است که پاسخ به دو سوال فوق مثبت است. هرچند، چالش اصلی در این مسیر طراحی نظامی است که علاوه بر این که واجد قرارداد قرض سوددهی حلال است، با سایر اقتضائات یک نظام اقتصادی، از جمله انگیزه و انتظارات افراد و بنگاه‌ها، سازگار باشد.

۳- ویژگی‌های عقد قرض

این بخش برخی از ویژگی‌های اساسی قرارداد قرض را از نظر شرعی، حقوقی و اجرایی بررسی می‌کند:

---

۱. فرهنگ فقه، هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸

۲. همچنین امام صادق (علیه السلام) در روایت دیگری می فرماید: ربا از پی شرط می آید و شرط‌گذاری، بهره را فاسد می‌کند (وسائل‌الشیعه، ج ۱۸).

۳-۱- جواز اخذ بهره‌ی غیر مشروط

ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام در روایات متعددی به این اصل مهم اشاره می‌کنند که لزوما کسب هر گونه بهره از قرارداد قرض ربا نیست، بلکه این اشتراط بهره است که منجر به ربوی شدن قرارداد قرض میشود. به عبارت دیگر مبرا دانستن نظام اقتصادی اسلام از هر گونه بهره ادعای نادرستی است.

روایت ۱: از امام علیه‌السلام سوال کردم که من یکصد درهم به طور شمارش عددی از کسی طلب داشتم، ولی او یکصد درهم به حساب وزن به من داد [گاه درهم‌ها وزنش کمتر از معمول بود، بنابراین کسی که مطابق وزن دین خود را ادا می‌کرد، چیزی بیشتر از مقداری که گرفته بود می‌داد]. امام علیه‌السلام فرمود: « ضرری ندارد». سپس افزود:« ربا به خاطر شرط سود در متن قرارداد به وجود می‌آید و شرط آن را فاسد می‌کند». (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۹۰)

روایت۲: حلبی گوید: از امام ششم علیه‌السلام سوال کردم مردی مبلغی درهم از شخصی وام می‌گیرد با تعداد معین، و چون قرض خود را می‌پردازد درهم سیاه هم وزن می‌دهد و می‌داند که آنچه می‌دهد وزنش بیشتر است از آنچه گرفته، و این کار را به طیب خاطر و به دلخواه خود می‌کند و نظر دارد که به قرض‌دهنده منفعتی برساند. امام فرمود: اشکالی ندارد در صورتی که شرطی در میان نباشد ولو همه را به او ببخشد درست است. (وسائل الشیعه؛ ج۱۸؛ ص۱۹۱)

روایت۳: امام صادق علیه‌السلام فرمود: هرگاه پول‌های نقره‌ای را وام دادی و بهتر از آن را برای تو آورد، حرام نیست به شرط این که قراردادی روی این کار در میان نباشد. (کافی؛ ج۵، ص:۲۵۴)

روایت۴: محمدبن‌قیس از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: کسی که به دیگری درهم‌هایی را قرض می‌دهد، جز برگرداندن مثل آن را شرط نکند. پس اگر بهتر از آن به او بازگردانده شد بپذیرد .

روایت۵: اسحاق‌بن‌عمار گوید: به امام هفتم علیه‌السلام عرض کردم شخصی نزد کسی مالی دارد که به او قرض می‌دهد و مدت این وام طول می‌کشد و از این مال چیزی عاید صاحبش نمی‌شود. از این رو بدهکار گاه‌گاه هدیه‌ای برای او می‌فرستد مبادا مالش را پس بگیرد، آیا این بر او حلال است؟ فرمود: اگر با هم شرط نکرده باشند اشکالی ندارد. (وسائل الشیعه؛ ج۱۸؛ ص۳۵۸)

۳-۲- *استحباب پرداخت زیاده*

هرچند دریافت زیاده غیرمشروط بر قرض‌دهنده مباح است، پرداخت چنین زیاده‌ای از جانب قرض‌گیرنده مستحب و ستودنی است.

روایت ۶: امام صادق علیه‌السلام در مورد کسی که به رضایت و دل‌خواه خود زیاده‌ای بر قرض پرداخت می‌کند می‌فرماید: آیا بهترین قرض آن نیست که فایده‌ی دنیوی داشته باشد؟ (وسائل الشیعه؛ ج۱۸؛ ص۳۵۵)

روایت ۷: ابی‌مریم از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: هر وقت بر عهده پیامبر شتر دوسال‌های بود، شتر چهارساله عطا می‌کرد. (وسائل الشیعه؛ ج۱۸؛ ص۱۹۳)

روایت ۸: محمدبن‌مسلم به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: فقهاء ناحیه‌ی ما می‌گویند هر قرضی که منفعتی تحصیل کند فاسد است، امام علیه‌السلام فرمود: آیا بهترین قرض آن نیست که فایده‌ی دنیوی هم داشته باشد؟ (وسائل الشیعه؛ ج۱۸؛ ص۳۵۵)

روایت ۹: از امام صادق علیه‌السلام سوال شد: اگر وام سودی داشته باشد چگونه است؟ فرمود: بهترین وام آن است که سودی جلب کند. (وسائل الشیعه؛ ج۱۸؛ ص۳۵۶)

۳-۳- *جواز توقع کسب زیاده از عقد قرض*

در روایات متعددی نیز به توقع کسب زیاده از قرض گیرنده اشاره شده و این انتظار و توقع مباح دانسته شده است.

روایت ۱۰: از امام صادق علیه‌السلام سوال شد: مردی به دیگری تعدادی درهم وام داده و او بهتر از آن را با میل خود به وی بازمی‌گرداند و هر دو می‌دانند که به خاطر همین وام داده که بهتر از آن را بازگرداند. فرمود: اگر وام گیرنده با میل خود این کار را می‌کند مانعی ندارد. (وسائل الشیعه؛ ج ۱۸؛ ص ۱۹۲)

روایت ۱۱: اسحاق‌بن عمار می‌گوید: از امام موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام در مورد مردی که به مردی مالی را قرض داده پرسیدم: قرض‌گیرنده با آن مال کار می‌کند و بخشی از سود را به قرض‌دهنده می‌پردازد، از ترس این که مبادا صاحب مال، مالش را

پس بگیرد، بدون این که از قبل بین آنان شرطی بوده باشد. امام علیه‌السلام فرمود: مادامی که براساس شرط نباشد اشکالی ندارد .

روایت ۱۲: جمیل بن‌دراج روایت می‌کند که به امام صادق علیه‌السلام گفتم: ما با بعضی از اهل عراق معاشرت داریم پس به آنها قرض می‌دهیم و آنها غلاتشان را برای ما می‌آورند تا برای آنها بفروشیم و ما با گرفتن اجرتی برای آنها می‌فروشیم و برای ما در این مورد منافعی وجود دارد. حضرت فرمودند: اشکال ندارد. باز جمیل گفت: اگر غلات را برای ما نفرستند ما به آنها قرض نمی‌دهیم. حضرت فرمودند: اشکالی ندارد.

۳-۴- *تفاوت قرض و قرض‌الحسنه*

چنانچه از روایات بر می‌آید، هرچند در عقد قرض انتظار و توقع گرفتن زیاده، اگر شرط نشود، مباح است اما در این صورت قرض‌دهنده دیگر شامل ثواب موعود در قرض‌الحسنه را کسب نخواهد شد. به عبارت دیگر می‌بایست بین قرض‌الحسنه که مقصود اصلی قرض‌دهنده در آن کسب و جلب رضای خداوند است، با قرارداد قرضی که در آن مقصود اصلی قرض‌دهنده کسب منفعت دنیوی است تفاوت قائل شد. در واقع هدف اصلی قرض‌الحسنه، که در آن قرض دهنده حتی انتظار منفعت مالی هم ندارد، یاری مستمندانی است که برای بازگشت به فعالیت‌های اقتصادی خود نیازمند کمکی مؤثر و کم‌هزینه باشند (اقبال و شفیق، ۲۰۱۵).

روایت ۱۳: حفص‌بن‌غیاث از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: ربا بر دو گونه است: حلال و حرام. ربای حلال آن است که شخص قرض دهد بدان امید که زیادتر به وی بازگرداند بدون آن‌که شرطی بین آنها باشد. در این صورت اگر بیشتر به وی برگرداند، در حالی که شرطی بین آنها نیست، مباح است و این قرض نزد خدا ثوابی ندارد، و این همان است که خداوند عزوجل در قرآن فرمود: « نزد خداوند زیاد نمی‌شود.» اما ربای حرام آن است که قرض دهد و شرط کند بیشتر از آنچه قرض داده برگردانده شود. این ربا حرام است. (جامع احادیث الشیعه، ج۲۳، ص ۵۰۴)

۳-۵- *برخی از مزیت‌های حقوقی و اجرایی عقد قرض*

قرارداد قرض از نظر حقوقی ویژگی‌های منحصر به‌فردی دارد که آن را از سایر عقود موجود متمایز می‌کند. در بین عقود اسلامی، عقد قرض تنها قراردادی است که در آن "پول" (یا هر مال دیگری) می‌تواند منحصراً موضوع قرارداد باشد. در سایر عقود

موضوع قرارداد یک کسب وکار[۱]، یک عملیات اقتصادی[۲]، یا ارائه یک خدمت[۳] است. در حالی که در قرارداد قرض، این امکان وجود دارد که قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده به مبادله پول بپردازند بدون توجه به این که آن پول در چه زمینه‌ای مصرف می‌شود. این مزیت برجسته قرارداد قرض، نه تنها به بانک برای ارائه تسهیلات مالی انعطاف قابل توجهی می‌دهد، بلکه به بانک اجازه می‌دهد به جای ورود به زمینه‌های مختلف کسب‌وکار، به فعالیت تخصصی خود که مدیریت توزیع بهینه منابع مالی در جامعه است متمرکز شود. اما دلیل اصلی این که قرارداد قرض در نظام فعلی بانکی قرارداد جذابی نیست، آن است که این قرارداد فاقد اصلی‌ترین انگیزه، هم برای سپرده‌گذار و هم برای بانک، یعنی سودآوری است. در واقع در بانک‌داری بدون ربای فعلی به‌دلیل تحمیل سقف قیمتی[۴] پایین‌تر از قیمت تعادلی بازار، این بازار دائما با کسری عرضه و مازاد تقاضا روبروست و هیچ‌گاه به تعادل نخواهد نرسید. درحالی که، چنان‌چه براساس مکانیزمی مشروع امکان سودآوری از قرارداد قرض وجود داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که این قرارداد به‌طور گسترده در نظام بانکی به‌کار رود، چه هم بانک برای استفاده از این قرارداد در معاملات مالی خود انگیزه کافی خواهد داشت و هم سپرده‌گذاران، در کنار دیگر سپرده‌گذاری‌های سودده، تمایل خواهند داشت سپرده‌های خود را به‌صورت قرض در اختیار بانک قرار دهند.

مزیت دیگر عقد قرض، تملیکی بودن آن است. یعنی پس از انعقاد قرارداد قرض، مال‌القرض از تملک مقرَض خارج و به ملکیت مقترض در می‌آید[۵]. در واقع بر اساس قرارداد قرض، از آن جهت که مال‌القرض به ملکیت مقترض درمی‌آید، او مختار است آن‌گونه که صلاح می‌داند از آن مال استفاده کند. تملیکی بودن عقد قرض چند مزیت اساسی دارد. اولاً این ویژگی سبب تسریع و تسهیل فرایندهایی می‌شود که برطبق قرارداد قرض منعقد می‌شوند. زیرا ارائه تسهیلات بانکی براساس قرارداد قرض تنها منوط به اعتبارسنجی متقاضی خواهد شد و برخلاف سایر عقود، در قرارداد قرض بانک لازم

---

۱. مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم

۲. مضاربه، مزارعه، مساقات، سلف، فروش اقساطی، اجاره، بیع، مرابحه

۳. جعاله، استصناع

۴. این قیمت در قرارداد قرض الحسنه برابر صفر است.

۵. بر اساس ماده ۶۴۸ قانون مدنی، قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند تا مثل آن را از حیث مقدار، جنس و وصف رد کند.

نیست در مسائلی مانند نوع و نحوه استفاده تسهیلات و امکان‌سنجی پروژه‌ها دخالت کند. زیرا پس از انعقاد قرارداد قرض، مال‌القرض از تملک بانک خارج و به تملک مقترض درمی‌آید. همچنین، به‌دلیل مشابه، تملیکی بودن قرارداد قرض، تا حد قابل توجهی از هزینه‌های کارشناسی و نظارتی بانک برای ارائه تسهیلات می‌کاهد. امتیاز دیگری که تملیکی بودن قرارداد قرض دارد آن است که سبب کاهش چشم‌گیر فسادپذیری در فرایندهایی می‌شود که بر طبق قرارداد قرض منعقد می‌شوند. زیرا مال‌القرض در طول مدت قرارداد در تملک مقترض خواهد بود و او می‌تواند به هر نحوی که صلاح می‌داند در آن تصرف کند. در حالی که هیچ کدام از سایر عقود این ویژگی را ندارند. به‌عنوان مثال تسهیلاتی که به‌عنوان مضاربه دریافت می‌شود الزاما می‌بایست برای امر بازرگانی استفاده شود، و دریافت‌کننده این تسهیلات حتی در شرایط اضطرار حق ندارد آن مال را برای امور دیگر مصرف کند. در حالی که همه روزه نمونه‌های متعددی در نظام فعلی بانکی کشور مشاهده می‌شود که تسهیلات اخذ شده در محلی غیر از موضوع قرارداد مصرف می‌شوند، و این منجر به فساد در قرارداد می‌شود[1].

۴- مکانیزم پیشنهادی

در این بخش مدلی برای قرارداد قرض با امکان سودآوری برای بانک، به‌عنوان اعطا کننده تسهیلات، پیشنهاد می‌شود بدون آن که در فرایند پیشنهادی شائبه‌ای از ربوی بودن وجود داشته باشد. این طرح در واقع نتیجه‌ی مستقیمی از سه روایت مذکور در بخش ۲ (روایات ۵، ۱۰ و ۱۳) است. در این مدل برای اجتناب از ربوی بودن قرارداد یکی از سه ویژگی لازم برای احراز ربای قرضی (شرط اخذ زیاده بر قرض) از قرارداد حذف شده و اختیار تعیین میزان پرداخت زیاده بر قرض، در اختیار قرض‌کننده قرار می‌گیرد. در این مکانیزم، هر مشتری در سیستم بانکی دارای امتیازی[2] است که نشان‌دهنده میزان جذابیت مشتری برای بانک است. این جذابیت به دو معیار اصلی وابسته است: اعتبار مشتری و سودآوری مشتری. اعتبار مشتری، شاخصی برای ریسک بازپرداخت (اصل) تسهیلات واگذار شده به مشتری است و سودآوری مشتری، شاخصی

---

۱. بهمنی (۱۳۷۴) به پانزده مورد از ایرادات اجرایی قرارداد مضاربه در بانک‌های تجاری کشور اشاره کرده است.

۲. امتیازبندی اعتبار مشتریان، فرایندی پیچیده و چند بعدی و خارج از قلمرو این مقاله است. در این مقاله برای حفظ سادگی، فرض می‌شود اعتبار هر فرد تنها با یک عدد (امتیاز) نشان داده می‌شود.

برای تخمین میزان زیاده‌ای است که مشتری احتمالا به همراه اصل وام پرداخت خواهد کرد. هر دو معیار براساس سابقه‌ی فعالیت‌های بانکی مشتری برآورد می‌شوند.

زمانی که متقاضی تسهیلات به بانک مراجعه می‌کند، امتیاز وی بازخوانی و میزان جذابیت او برای بانک بررسی می‌شود. بانک با توجه به امتیاز وی و منابع موجود سبدی از گزینه‌های مختلف تسهیلات قابل ارائه را به او پیشنهاد می‌کند. هر گزینه تنها ترکیبی است از میزان وام قابل ارائه و شیوه (جدول) بازپرداخت آن. در گزینه‌های پیشنهادی بانک هیچ اشاره‌ای به بهره یا زیاده نمی‌شود و شیوه بازپرداخت وام تنها به استرداد اصل وام محدود است. متقاضی گزینه‌ی دل‌خواه را انتخاب می‌کند و قرارداد قرض منعقد می‌شود. در این قرارداد قرض‌کننده هیچ الزامی به پرداخت سود/زیاده ندارد و تنها ملزم به استرداد اصل میزان قرض بر طبق جدول توافق شده است. هرچند، در این مکانیزم، به قرض‌کننده این اختیار داده می‌شود تا در صورت تمایل در هنگام بازپرداختِ قرضِ خود زیاده‌ای پرداخت کند. اصل و میزان این زیاده کاملا به عهده‌ی قرض‌کننده خواهد بود. البته، میزان زیاده‌ای که مشتری احتمالا و به طور دل‌خواه افزون بر قرض فعلی خود می‌پردازد در امتیاز وی تأثیر مثبت دارد، طبیعی است هرچه این زیاده بیشتر باشد[۱]، جذابیت بیشتری برای بانک خواهد داشت و امتیاز بیشتری کسب خواهد کرد در نتیجه در دوره(های) آتی صلاحیت دریافت تسهیلات مناسب‌تری از نظر میزان و شرایط پرداخت خواهد داشت. طبیعی است پرداخت این زیاده کاملا متناسب با وضعیت اقتصادی قرض‌گیرنده خواهد بود و وی می‌تواند در شرایط نامطلوب هیچ زیاده‌ای نپردازد و در شرایط رونق فعالیت اقتصادی خود زیاده‌ی قابل توجهی افزون بر قرض خود پرداخت کند. بدیهی است در هرصورت استرداد اصل قرض در زمان سررسید ضروری است. مزیت دیگری که پرداخت زیاده غیرمشروط برای قرض‌گیرنده دارد، امکان استمهال برای بازپرداخت اصل بدهی است[۲]. چنانچه زیاده پرداخت شده در یک قسط برای بانک جذاب باشد، بانک می‌تواند در صورت درخواست قرض گیرنده برای استمهال با درخواست او موافقت کند.

امتیاز اعتباری اشاره شده در این مدل بسیار شبیه امتیاز اعتباری[۳] در نظام‌های متعارف غربی است و می‌تواند در بسیاری از تعاملات و معاملات اقتصادی فرد (از قبیل

---

۱. می‌توان برای جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی، سقف مشخصی برای زیاده‌ی پرداختی معین کرد.

۲. رجوع شود به روایت شماره ۵.

3. Credit score

اجاره منزل، خرید اتومبیل، خرید اقساطی و ...) نقش ایفا کند. به علاوه، ارائه تسهیلات تنها به اعتبار متقاضی وابسته نیست، بلکه به سابقه‌ی وی نیز در این امتیاز اهمیت ویژه‌ای دارد.

مدل عملیاتی مکانیزم پیشنهادی

شکل (۲) زیر، مدل عملیاتی اعطای وام قرض براساس مکانیزم پیشنهادی فوق را نشان می‌دهد.

فرایند اخذ وام

۱. آغاز فرایند اخذ وام: مشتری برای اخذ وام به بانک مراجعه می‌کند و درخواست وام خود را ثبت می‌نماید.
۲. بانک با بررسی امتیاز اعتباری مشتری و منابع موجود خود در مورد اعطا یا عدم اعطای وام به وی تصمیم می‌گیرد.
۳. در صورت موافقت با درخواست وام مشتری، بانک یک یا چند گزینه به وی پیشنهاد می‌کند. هر سبد حاوی کل مبلغ وام (X) و مبالغ مربوط به "حداقل پرداخت"[1] به‌عنوان اقساط ماهانه وام (n) است. در واقع میزان اقساط ماهانه حداقل مبلغی است که مشتری در صورت اخذ وام می‌بایست به‌صورت ماهانه به بانک بپردازد. لازم به تأکید است، که بانک حق مطالبه هیچ گونه زیاده‌ای از مشتری ندارد. به عبارت دیگر جمع اقساط ماهانه در این بخش دقیقا مساوی اصل کل مبلغ وام خواهد بود، یعنی با اعلام دو مبلغ کل وام (X) و قسط ماهانه (n)، تعداد اقساط بازپرداخت وام عبارت خواهد بود از: $\frac{X}{n}$.
۴. در صورت موافقت با یکی از گزینه‌های پیشنهادی بانک، قرارداد قرض بین بانک و مشتری منعقد می‌شود.
۵. با عقد قرارداد مشتری با بانک، مشتری اصل مبلغ وام را دریافت می‌کند و از آن پس ملزم است به‌صورت ماهانه به بازپرداخت آن مبادرت کند.

1. Minimum payment

فرآیند بازپرداخت وام (در هر ماه)

۱. در صورتی که مانده اصل بدهی از اقساط ثابت ماهانه کمتر باشد، مشتری کافی است این مانده را پرداخت کند [ادامه در بند ۷]، در غیر اینصورت مشتری می‌بایست قسط معین شده (n) را بپردازد [ادامه در بند ۹].

۲. در صورتی که مانده اصل بدهی از اقساط ثابت ماهانه کمتر باشد، مشتری کافی است این مانده را بپردازد. هرچند می‌تواند با انگیزه بهبود امتیاز اعتباری خود و افزایش احتمال کسب گزینه‌های مطلوب‌تر تسهیلاتی به دلخواه خود زیاده‌ای (m) به این مبلغ بیفزاید.

۳. بانک پس از تسویه نهایی وام، امتیاز اعتباری مشتری را براساس زیاده پرداختی وی به روز می‌کند.

۴. در صورتی که مانده اصل بدهی بیش از اقساط ثابت ماهانه کمتر باشد، مشتری کافی است قسط معین شده را بپردازد. هرچند می‌تواند با انگیزه بهبود امتیاز اعتباری خود و افزایش احتمال موافقت با درخواست استمهال بانک در فرآیند بازپرداخت بدهی به دلخواه خود زیاده‌ای (m) به این مبلغ بیفزاید.

۵. بانک مانده بدهی مشتری را که عبارت است از مانده قبلی منهای اصل قسط پرداختی (X-n) تعدیل و امتیاز اعتباری مشتری را براساس انضباط وی در پرداخت اقساط و زیاده‌ی پرداختی توسط وی به روز می‌کند.

۶. در هرماه مشتری به هر دلیل از جمله بروز رخدادهای نامطلوب و پیش‌بینی نشده مالی، می‌تواند از بانک برای مساعدت بیشتر در بازپرداخت بدهی‌اش درخواست استمهال کند. این استمهال می‌تواند در قالب‌های مختلف صورت پذیرد. به‌عنوان مثال می‌تواند به‌صورت عقب انداختن کلیه‌ی اقساط باقیمانده برای یک یا چندماه بدون اعمال هرگونه جریمه یا مطالبه هرگونه زیاده باشد؛ و یا به‌صورت تعدیل کلیه مبالغ اقساط باقیمانده، مثلا از ماهانه یک میلیون تومان به ماهانه هفتصدهزار تومان، بدون اعمال هرگونه جریمه یا مطالبه هرگونه زیاده صورت گیرد.

۷. در صورتی که درخواست استمهال مشتری به بانک برسد، بانک می‌تواند با توجه به منابع موجود خود و سابقه و مطلوبیت مشتری که در امتیاز اعتباری وی متبلور است با این درخواست موافقت یا مخالفت نماید. در صورت مخالفت بانک با درخواست استمهال مشتری، تغییری در مانده بدهی و اقساط ماهانه که موظف به پرداخت است صورت نمی‌پذیرد.

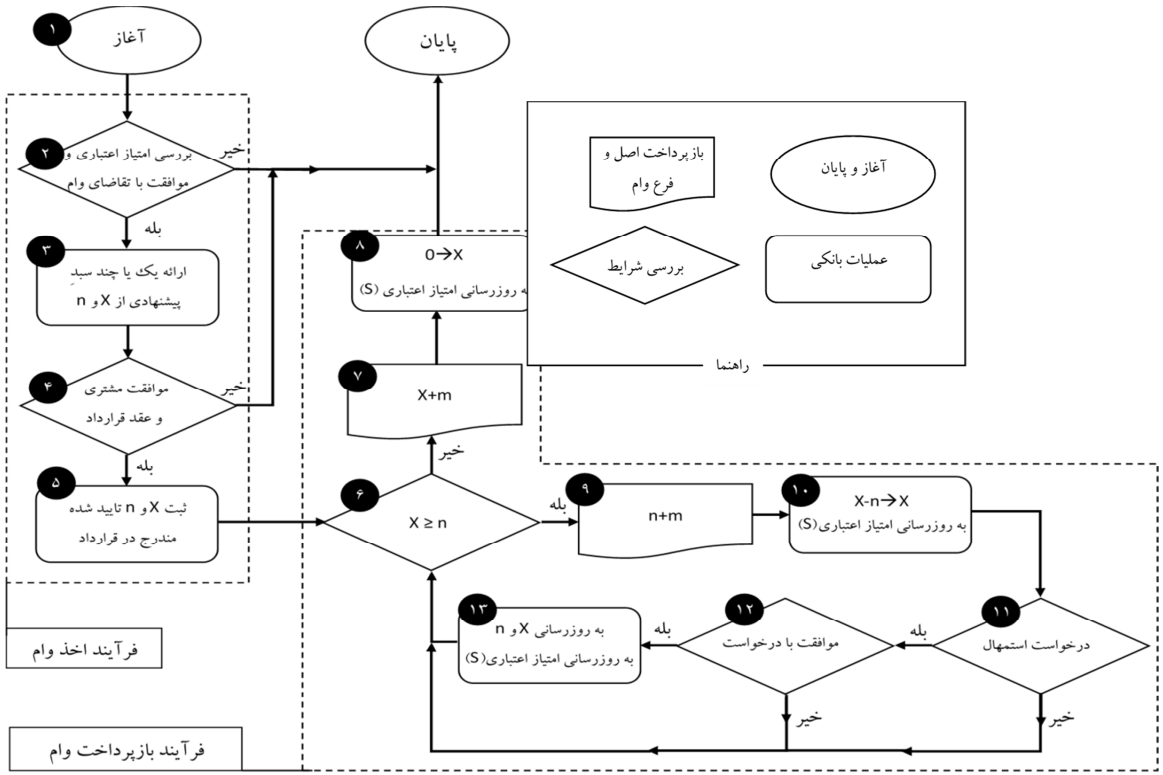

شکل ۲. مدل عملیاتی مکانیزم پیشنهادی

۵- کاهش احتمال نکول در مدل پیشنهادی

تاخیر تادیه‌بدهی گیرندگان تسهیلات از معضلات جدی نظام فعلی بانکداری اسلامی است. اصلی‌ترین راهکاری که برای حل این معضل پیشنهاد شده است، شرط وجه التزام یا جریمه دیرکرد است. شرطی که مورد اختلاف جدی فقهاء عظام است.

یکی از مزایای اصلی مدل پیشنهادی در این مقاله آن است که در این مدل پیشنهادی احتمال نکول با ابزاری غیر از اشتراط وجه التزام که به لحاظ شرعی محل تردید است، به طور معناداری کاهش خواهد یافت. علت این کاهش در احتمال نکول آن است که برخلاف بیشتر قراردادهای جاری در نظام فعلی بانکداری بدون ربا، در مکانیزم پیشنهادی در این مدل، بدون نیاز به الحاق عقدی دیگر، "امکان استمهال" برای گیرنده تسهیلات در نظر گرفته شده است. به این معنی که برخلاف روال جاری در بیشتر قراردادها که در آن گیرنده تسهیلات در صورت روبرو شدن با مشکلات پیش‌بینی نشده مالی ناچار می‌بایست کل مبلغ مربوط به اصل و فرع وام اخذ شده را پرداخت نماید (والا ناگزیر به نکول است)، در مکانیزم پیشنهادی فعلی، گیرنده تسهیلات می‌تواند با ممتاز نگه داشتن امتیاز اعتباری خود در زمان اضطرار از تسهیلات استمهال بهره‌مند شود. در حالی که به دو دلیل امکان افزودن تسهیلات استمهال در سایر عقود وجود ندارد؛ اول آن که آن عقود غالبا لازم هستند، و دوم آن‌که به‌دلیل قاعده نفی غرر مدت زمان قرارداد در آن‌ها باید معین باشد. هرچند لازم و جایز بودن قرار قرض محل اختلاف است، عدم تعیین زمان دقیق سررسید این عقد را غرری نمی‌کند و کافی است قرض‌دهنده زمان سررسید را عندالمطالبه معین کند. بنابراین طبیعی است که در صورتی که گیرنده تسهیلات در این مدل با مشکلات موقت مالی روبرو شود، به منظور حفظ امتیاز اعتباری خود و ممانعت از مشکلاتی که با نکول این عقد با آن مواجه خواهد شد، ترجیح دهد تقاضای استمهال کند و با افزایش نسبت زیاده‌ی غیرمشروط امتیاز اعتباری خود را بالا نگه دارد تا مشکلات مالی‌اش مرتفع شود.

۶- پاسخ به دو سوال محتمل

در برابر مدل پیشنهادی فوق، به نظر می‌رسد دو سوال یا نقد بالقوه جدی وجود دارد:

الف. انگیزه پرداخت سود غیرمشروط در قرارداد قرض چیست؟

پاسخ این سوال را می‌بایست در دو حوزه مختلف بررسی کرد: حوزه تجهیز منابع و حوزه تخصیص منابع. در حوزه تجهیز منابع، در ابتدای سال مالی هر بانک می‌تواند برآورد سود پرداختی (غیرمشروط) به سپرده‌های قرضی را اعلام کند. هرچند این نرخ سود غیرقطعی و غیرمشروط است، بانک‌ها ترجیح می‌دهند در پایان سال کمتر از نرخ سود انتظاری اعلام شده به مشتریان پرداخت نکنند. زیرا در غیر این صورت، طبیعتاً اعتبار بانک نزد مشتریان خدشه‌دار خواهد شد و مشتریان ترجیح خواهند داد سپرده‌های خود را به یک بانک معتبرتر منتقل کنند. در واقع، در این شرایط در یک محیط رقابتی بانک‌ها مجبورند، ولو به قیمت کسب سودهای پایین‌تر، سود قابل قبولی به مشتریان خود پرداخت کنند تا بتوانند پیروز میدان رقابت با سایر بانک‌ها باشند. تنها در دو صورت ممکن است یک بانک ترجیح دهد، سودی کمتر از سود انتظاری اعلام شده به مشتریان اعلام کند: اول این که بانک در حال ورشکستگی باشد و انگیزه‌ای برای ادامه رقابت در بازار پولی نداشته باشد. در این صورت، می‌تواند تنها اصل سپرده‌ی سپرده‌گذاران را بدون هیچ سودی مسترد کند و سودی به آنها پرداخت نکند. حالت دوم، زمانی است که کل اقتصاد کشور وارد شرایط رکود جدی غیرقابل پیش‌بینی شده باشد، و کل بانک‌ها از پرداخت سود انتظاری اعلام شده خود بازبمانند. در این صورت پرداختی کمتر از نرخ سود انتظاری اعلام شده، لزوما از اعتبار یک بانک نخواهد کاست. هر چند حتی در این شرایط هم بانک‌ها به رقابت برای پرداخت سود بیشتر (از سایر رقبا) به سپرده‌گذاران خود ادامه خواهند داد.

اما در حوزه تخصیص منابع، این مکانیزم قدری پیچیده‌تر است[۱]. در این حوزه، که با ایجاد یک نظام امتیازبندی و انگیزشی یک‌پارچه شکل می‌گیرد، متقاضیان تسهیلات مالی انگیزه‌های متفاوتی برای پرداخت زیاده‌ی غیرمشروط به تسهیلات مالی خود خواهند داشت. متقاضیان تسهیلات مالی را به دو بخش می‌توان طبقه‌بندی کرد: بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها. بنگاه‌های اقتصادی، از آن جهت که برای پیشبرد و بهبود کسب و کار خود نیازمند تسهیلات مالی هستند، با بانک تعامل مثبتی خواهند داشت. امتیاز هر بنگاه[۲]، شاخص مهمی در موفقیت آن بنگاه تلقی می‌شود. به‌طوری که امتیاز بالای یک بنگاه نشان می‌دهد آن بنگاه در تأمین سرمایه در گردش و سایر نیازهای مالی

۱. به همین منظور هم مکانیزم پیشنهادی مشخصا برروی تخصیص منابع مالی متمرکز بود.

۲. این امتیاز خود می‌تواند به طور مستقیم تحت تأثیر امتیاز موسسان و مدیران بنگاه اقتصادی باشد.

خود مشکل نخواهد داشت. بنابراین، بنگاه‌های اقتصادی نیز به منظور حفظ موقعیت و توان رقابتی خود در بازار، انگیزه کافی برای پرداخت زیاده به تسهیلات مالی خود خواهند داشت. مگر این که بنگاهی در آستانه ورشکستگی باشد. در آن صورت، ممکن است پرداخت زیاده کمتر (یا عدم پرداخت زیاده) که با کاهش اعتبار بنگاه در بازار همراه است را به حفظ اعتبار و توان رقابتی خود در بازار ترجیح دهد. هرچند، حتی در این صورت هم‌چنان موظف به بازپرداخت اصل بدهی خود خواهد بود.

دسته دوم متقاضیان تسهیلات، خانوارها هستند. از آن جهت که با توجه به محدود بودن منابع مالی قابل تخصیص، اولویت ارائه تسهیلات براساس امتیاز متقاضیان تعیین می‌شود، خانوارها نیز سعی خواهند کرد امتیاز خود را در سطح بالایی نگه دارند و سعی کنند با افزایش میزان اعتبار خود که معادل افزایش توان اخذ تسهیلات است، زندگی خود را برای شرایط نامساعد غیرقابل پیش‌بینی ایمن کنند. امتیاز هر فرد، معیاری از امنیت مالی وی است. چه، هر چه امتیاز فردی بالاتر باشد، در شرایط نیاز و اضطرار دسترسی روان‌تر و ساده‌تری به تسهیلات بانکی برای رفع نیاز مالی خود خواهد داشت. این فرایند، که بسیار شبیه سیستم کارت‌های اعتباری در کشورهای غربی است، می‌تواند به هموارسازی میزان مصرف شهروندان نیز کمک شایانی کند.

ب. قرارداد قرض سودده غیرمشروط چه تفاوت بنیادی با ربای قرضی دارد؟

اولین و اصلی‌ترین مزیت قرض سودآور غیرربوی نسبت به قرض ربوی، مباح بودن آن است. آن چه در بانک‌داری بدون ربا قطعی و لازم‌الاجرا است، احکام قطعی شریعت است، نه پیروی از حکمت‌هایی که مسلمانان از اصل حکم استنباط می‌کنند. چه آنچه در آیات و روایات به‌عنوان حکمت‌های حرمت ربا بیان شده است، لزوما و منحصرا علت حکم را مشخص نمی‌کند (موسویان و میسمی، ۹۴). علاوه بر آن، نرخ سود پرداختی به وام‌های قرضی با سود غیرمشروط، تابع شرایط متقاضی در زمان بازپرداخت وام است، در صورتی که نرخ سود پرداختی به وام‌های قرضی ربوی تابع شرایط زمان انعقاد قرارداد است. این ویژگی به معنی عادلانه‌تر بودن قرض سودآور غیرربوی در برابر قرض ربوی است. تفاوت دیگر بین این دو نوع نظام بانک‌داری، یعنی نظام بانک‌داری مبتنی بر قرض سودآور غیرربوی و نظام بانکی مبتنی بر قرض ربوی، در آن است که در نوع اول نرخ بهره تعیین شده در بازار حتی در کوتاه مدت بسیار به نرخ واقعی اجاره سرمایه نزدیک خواهد بود در حالی که در نوع دوم نرخ بهره تنها در افق بلند مدت به نرخ اجاره سرمایه نزدیک می‌شود.

۷- نتیجه‌گیری

حرمت اشتراط سود در قرارداد قرض، باعث شده بانک‌داری اسلامی برای کسب سود به عقود دیگری از جمله مشارکت، مضاربه، جعاله و فروش اقساطی روی آورد و عملا از به‌کارگیری قرارداد قرض در معاملات اصلی و سودآور خود صرف‌نظر کند. این مقاله امکان وجود قرض سودآور غیرربوی در نظام بانکی کشور را بررسی می‌کند و با اشاره به مزایای قرارداد قرض نسبت به سایر عقود اسلامی، مکانیزمی پیشنهاد می‌کند که براساس آن می‌توان قرارداد قرض را در بستری سودآور و غیرربوی به نظام بانکی کشور بازگرداند. مسلما ادعای این مقاله حذف سایر عقود از نظام بانکی کشور نیست، بلکه عقد قرض سودآور غیرربوی را مکملی مفید و لازم برای رفع برخی از نارسایی‌های موجود در نظام بانکی فعلی کشور می‌داند. در مواجهه با این مقاله توجه به این نکته حائز اهمیت است که این مقاله به هیچ عنوان مدعی پیشنهاد یک مدل عملیاتی دقیق، جامع، منسجم و قابل اجرا مبتنی بر قرارداد قرض سودآور در نظام بانکی بدون ربا نیست، بلکه ارائه‌ی مدل عملیاتی پیشنهادی تنها به منظور تنقیح این نکته مهم است، که برای تحقق بانکداری بدون ربا لازم نیست عقد قرض (سودآور) از عقود مورد استفاده نظام بانکی حذف و از مزایای متعدد آن چشم‌پوشی شود. در ضمن، مدل پیشنهادی در این مقاله برای تسهیلات خرد مصرفی و تسهیلات سرمایه در گردش بنگاه‌ها مناسب‌تر است و طبعا برای تسهیلات بزرگ و بلندمدت، از قبیل تسهیلات خرید مسکن و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، جایگزین بهینه‌ای برای عقود فروش اقساطی یا مشارکت نیست.

منابع

۱. بهمنی، محمود (۱۳۷۴). بررسی عقد مضاربه و عملکرد آن در بانک‌های تجاری کشور؛ برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده

۲. توتونچیان، ایرج (۱۳۸۹). پول و بانک‌داری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری؛ تهران: تهران.

۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: داراحیاء اتراث العربی، چاپ پنجم.

۴. حشمتی مولایی، حسین (۱۳۸۸). تأثیر عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه بر توسعه مالی، پژوهش‌نامه اقتصادی ش ۶.
۵. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۱ق). تذکره الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۶. عرب‌مازار، عباس و کیقبادی، سعید (۱۳۸۵). جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۶.
۷. عزتی، مرتضی (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر به‌کارگیری پول برای کسب سود یا اعطای قرض‌الحسنه، دین و اقتصاد، ش ۳ و ۴.
۸. محقق‌نیا، محمد جواد (۱۳۸۹). بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، معرفت اقتصادی، ش۱.
۹. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱ق). کتاب البیع؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۰. موسویان، سید عباس (۱۳۸۳). ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید، اقتصاد اسلامی، س۴.
۱۱. موسویان، سید عباس (۱۳۸۵). الگوی جدید بانکداری بدون ربا؛ اقتصاد اسلامی، س۶.
۱۲. موسویان، سید عباس و میسمی، حسین (۱۳۹۴). بانکداری اسلامی: مبانی نظری-تجارب عملی، ج۱، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.
۱۳. موسویان، سید عباس، راه‌نشین، علی (۱۳۹۳). حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی: راهکاری بهینه برای هدایت و مدیریت منابع قرض‌الحسنه در نظام بانکداری اسلامی، معرفت اقتصاد اسلامی، ج۶، ش۱.
14. Iqbal, Z., & Shafiq, Bushra. (2015). Islamic Finance and the role of Qard-al-Hassan (Benevolent Loans) in Enhancing Inclusion: A Case Study of Akhuwat, ACRN Oxford Journal of Finance and Risk Perspectives, Special Issue of Social and Sustainable Finance, Vol. 4, Issue 4.
15. Mirakhor, Abbas (1989). Islamic Banking: Experience in the Islamic Republic of Iran and Pakistan, IMF Working Paper.